هنر رنگ

آیت اللهی، حبیب الله

رنگ مهمترین و پرمحتواترین بعد هنر است.از دیدگاه فیزیک،رنگ پرتوهای نورانی دیدنی است‏ که طول موج آنها از 400 میکرون یا«نونامتر» تغییر می‏کند(یک نونامتر ان.م. - emanon -ert 1 میلی میکرون‏[هزارم میکرون‏]-یک‏میلیونیم هزارم متر-1 میلیاردیم متر-6(10)و از بنفشها(439)،نیلیها(459)،آبیها(492) سبزها(532)،زردها(571)،نارنجیها(596) و سرخها(645)تشکیل شده است این نورهای‏ رنگین از تجزیه نور سفید به وسیلهء یک منشور وایجاد طیف یا بیناب حاصل می‏گردند.بخش‏ دیدنی طیف دقیقا از 380 ن.م تا 770 ن.م. است بر این پدیدهء فیزیکی،خواص فیزیکی‏ خاصی مطرح است که صرفا جنبه‏های علمی و کاربردهای علمی-عملی دارد،مانند:عکس‏ نگاری رنگین،تلویزیون رنگی،استفاده از بینابهای رنگین عناصر گوناگون به عنوان وسیلهء شناخت آنها.لیکن این جنبه‏های فیزیکی،در هنر،کمتر کاربرد می‏یابند و در این قلمرو، تأثیر پذیریهای گوناگون ماهیت و کیفیت رنگ زاده‏ می‏شود.

لیکن از دیدگاه قرآن مجید،رنگ و زینگیهای‏ رنگی(«لون»ها)آن،نشانه‏هایی هستند از وجود ذات باری تعالی برای کسانی که نعمتها و آیتهای‏ خداوند را یادآور می‏شوند و به آنها می‏اندیشند و اینگونه پدیده‏ها را سرسری نمی‏گیرند.این افراد معمولا علما و متفکرانند:«و ما ذرا لکم‏ فی الارض مختلفا الوانه،ان فی ذالک لایة لقوم‏ یذکرون»،و آنچه رنگارنگ در زمین برای شما آفرید،همانا در این نشانه‏ای است برای گروهی‏ که‏[خداوند و نعمتهایش را]یادآور می‏شوند (نحل،13)،«و اوحی ربک الی النحل... یخرج من بطونها شراب مختلف الوانه فیه شفاء للناس،ان فی ذلک لایة لقوم یتفکرون»،و پروردگارت به زنبور عسل وحی نمود که خانه‏های‏ خود را در کوهها و درختان و داربستها[یی که‏ برافرازند]برگزین،سپس از همهء میوه‏ها بخور...،از شکمهای آنها نوشابهء رنگارنگی‏ برون شود که در آن درمان مردم است،همانا در این نشانه‏ای است برای گروهی که‏ می‏اندیشند(نحل،68-69).در آیات دیگری، رنگارنگی آفرینشهای الهی نشانه‏هایی برای کسانی‏ است که آگاهند،دانا و دانشمندند.یادآور شدن‏ نعمتهای الهی و اندیشیدن،نخستین گامهای‏ آگاهی و دانش به چیزهاست.در آیه‏ای نیز این‏ رنگارنگی نشانه‏ای برای خردمندان،آورده شده‏ است.

«و من ایاته خلق السموات و الارض و اختلاف السنتکم و الوانکم،ان فی ذلک لایات‏ للعالمین»

،و از نشانه‏هایش آفرینش آسمانها و زمین و گوناگونی زبانهای شما و رنگهای‏ شماست،همانا در این نشانه‏هایی برای دانایان‏ است.(روم،22)؛نیز رنگ در کلام خداوند مفهوم غیر مادی دارد و شایان بحث فراوان‏ است؛

«صبغة الله و من احسن من الله صبغة،و نحن له عابدون»

،این رنگ خداست و رنگ چه‏ کسی از رنگ خدا بهتر است.ما پرستندگان او هستیم(بقره،138)و اینجا خداوند از«رنگ» (صبغة)به معنی مطلق آن سخن می‏فرماید و نه از «لون»که«زینگی رنگی»از یک رنگ خاص‏ است.از طرف دیگر رنگ را وسیلهء وحدت‏ برگزیده است.رنگ خدا چیست؟خدایی شدن و حق را پرستش کردن،یعنی ویژگیهای خاصی را پذیرفتن که همه را با تمام طینتهای گوناگون‏ و خلقهای متفاوت در یک مجموعه همگن گرد می‏آورد،همانند رنگی یک دست که تمام بخشها و ذرات یک«فضا»ی ناهمگن و بسیار متفاوت را «یکی»می‏کند.خداوند اینجا«رنگ»را استعاره‏ای برای حکومت جهانی واحد اسلامی- الهی برگزیده است.بنابراین اثری که در هماهنگی‏ رنگی ساخته شود،اثری است گویای توحید و یگانگی.

حقیقت این است که در رنگ و در گوناگونی‏ زینگیهایش،چنان ویژگیهایی نهفته است که تنها دانشمندان،اندیشمندان و خردمندان می‏توانند از آنها بهره گیرند و آنها را درک کنند.این ویژگیها چیست؟چه چیزهایی،چه خصیصه‏هایی به رنگ‏ چنان برتری می‏دهد؟و آن چگونه است؟در حدیثی،امام صادق علیه السلام به این پرسشها پاسخ می‏فرمایند:«ان الابصار لا تدرک الا ما له لون‏ و الکیفیه،و الله خالق الالوان و الکیفیات»، چشمها جز چیزهایی را که زینگی رنگی‏[لون‏]و کیفیتی دارند نمی‏بینند،در حالی که خداوند آفریننده زینگیهای رنگی و کیفیتهاست(تفسیر نمونه و اصول کافی).امام علیه السلام،دو ویژگی بزرگ رنگ را که سبب دیدن و درک آن‏ می‏گردد بیان می‏فرمایند و تمام هنر،به این‏ دو ویژگی بستگی دارد.

زینگی رنگی

ما در مبحث تاریک-روشن،زینه‏های مختلف‏ تاریکی به روشنایی و یا روشنایی به تاریکی را «زینگی تاریک-روشن»نامیدیم و این ویژگی را در زبان انگلیسی ytilanot و در فرانسه etilanot گویند و هر زینهء تاریک-روشن را یک euh می‏گویند.اما زینگی رنگی که همانند زینگی‏ تاریک-روشن،زینه‏های متفاوت یکرنگ، از قوی‏ترین تا ضعیفترینش می‏باشد(از روشنترین‏ زینهء آن رنگ که نزدیک سفید است تا تیره‏ترینش که‏ به سیاه می‏ساید)را«زینگی رنگی»و در زبان‏ فرنگی ecnaun یا euh می‏گویند.تذکر این‏ نکته لازم است که برخی از نقاشان این دو گونه‏ زینگی(تاریک-روشن و رنگ)را با هم یکی‏ انگاشته و با تعبیری نادرست‏تر که«ارزش رنگی» ( ruelav )است بیان می‏کنند.بعدا خواهیم دید که«ارزش رنگی»با زینگی رنگی و زینگیهای‏ تاریک-روشن کاملا متفاوت است یک رنگ‏ علاوه بر واجد بودن زینگیهای رنگی متفاوت، از زینگیهای تاریکی روشن نیز برخوردار است.از طرف دیگر،«ارزش رنگی»و«توان روشنایی» یا«نورانیت»نیز دارد؛برای مثال ارزش رنگی‏ سرخ طیف نور خورشید با ارزش رنگی آبی آن‏ طیف یکی است.لیکن زینگی تاریک-روشن آنها و همچنین زینگی رنگی آنها متفاوت است. نورانیت(توان روشنایی)سرخ بیشتر از آبی است، لیکن نیروهای ذخیره شده در آبی بیشتر از سرخ‏ است.اگر در یک جدول تاریک-روشنهایی که از سفید تا سیاهش تنها سیزده زینگی داشته باشد، سرخ را در ردیف هفتم(افقی)قرار دهیم(که‏ جای واقعی آن است)[از سفید به سوی سیاه‏]، زینگی تاریک-روشن آن 7 است و آبی در ردیف‏ نهم قرار می‏گیرد،یعنی زینگی 9 دارد.و اگر بخواهیم از این دو رنگ زینگیهای رنگین کاملا

\*رنگ سبز،رنگ آرامش، آسایش و صلح و صفاست.طعم‏ رنگ سبز،نه شیرین است و نه‏ شور.نه ترش است نه بی‏مزه،نه‏ تند است و نه تلخ،طعم آب‏ گواراست...سبز،رنگ تعقل، تفکر و آرامش خردمندانه است.

\*رنگ زرد،نمودار تظاهرات‏ «سطحی و بی‏ژرفا در یک ترکیب‏ هنری است و آبی نمودار ژرفاهای‏ گوناگون.چنین است که در هنر اسلامی(به ویژه در معماری) همیشه زرد و آبی با هم ترکیب‏ می‏شوند.

متمایز و شایان تشخیص از یکدیگر بسازیم، سرخ تا به سفید رسد حدود پنجاه زینگی می‏دهد و لیکن آبی تا سفید بیش از صد و ده زینگی دارد. پرتوهای بازتاب شده از رنگ سرخ،زیادتر از رنگ آبی است و برد رنگ سرخ بسیار بیشتر از برد آبی می‏باشد.در مورد سبز،طیف نور خورشید کاملا متفاوت است؛زینگی تاریک-روشن آن با زینگی تاریک-روشن سرخ یکی است اما توان‏ روشنایی سرخ بیشتر است در حالی که سبز از زینگی رنگی فزونتری برخوردار است.اینجا نیز ارزش رنگی هر دو رنگ همانند است.اصولا زینگی پذیری یک رنگ با توان روشنایی آن(یا با نورانیتش)نسبت واروانه دارد یعنی،هر چقدر توان روشنایی رنگ بیشتر باشد،زینگی پذیری‏ رنگی آن کمتر است،توان روشنایی رنگ سفید (که حد قوت هر رنگ است)را اگر«صد» بگیریم،زینگی پذیری رنگی‏اش«یک»است. یعنی فقط یک زینه رنگی دارد و آن خودش است و «آبی شب»که توان روشنایی‏اش دست کم(مثلا یک)است،از حداکثر زینگی رنگی برخوردار است.زینگی رنگی با زینگی‏ تاریک-روشن نسبت مستقیم یا همانند دارد و لیکن اندازه زنی ارزش رنگی چنان استوار شده‏ است که تمام رنگهای طیف،در اوج شدتشان، ارزش یک،را دارا هستند و چون برای برخی از آنها اوج شدت مشخص نیست(مانند زرد)، بنابراین،ارزش رنگی تمام رنگهای طیف نور خورشید(نور سفید)در اطراف«یک»می‏چرخد.

«زینگی رنگی»یا«لون»ویژگی‏ای است که‏ سبب تشخیص اجسام رنگدار از هم می‏شود. اینجا منظورمان اجسامی است که از رنگی‏ خاص،مثلا از سرخ،برخودارند.اگر اجسام‏ متفاوتی،همه از یک زینگی رنگی سرخ با ویژگیهای همانند پوشیده شده باشند،قابل‏ تشخیص و دیدن نیستند و حتی،یک رنگ‏ یکدست یکنواخت بی‏نهایت گسترده شده قابل‏ تشخیص نیست،مگر آنکه در آن یک زینگی‏ رنگی،هر چقدر ضعیف باشد،ایجاد گردد یا «کیفیت رنگی»برخی از قسمتهایش تغییر کند و یا سرانجام،بخشی از آن در فضا به جلو یا به عقب‏ یعنی در ژرفا،حتی برای یکهزارم متر هم که‏ شده،جابه‏جا شود و در نتیجه«سایه‏افکنی»متمایز گردد.فرمایش امام صادق علیه السلام را واسیلی‏ کاندینسکی به این صورت بیان می‏کند:«رنگ‏ یک دست بی‏نهایت گسترده شده،درست دیده‏ نمی‏شود»(1)

کیفیت رنگی

در یک جمله،«کیفیت رنگی کیفیتی است که‏ رنگی را از رنگ دیگر با همان توان روشنایی،با همان زینگی رنگی و به ویژه با همان زینگی‏ تاریک-روشن،متمایز می‏کند».تمام سفیدها (اوج قدرت هر رنگ)و تمام سیاهها(«غرابیب‏ سود»،نهایت ضعف هر رنگ)با وجود اینکه‏ زینگی رنگی،زینگی تاریک-روشن و توان‏ روشنایی و حتی ارزش رنگی آنها(زیرا همه سفید یا سیاهند)یکی است،از هم متمایزند یعنی‏ بخوبی از هم تمیز داده می‏شوند که کدام سفید زرد یا کدام سفید آبی است و یا کدامیک سیاه سرخ و یا سیاه سبز است.ما اینجا حداکثر و حداقل توان‏ روشنایی یک رنگ را مثال زدیم.در جدول‏ تاریک-روشنها(به رساله‏های رنگ شناسی‏ مراجعه شود)،تمام رنگهایی را که روی یک خط افقی قرار گرفته‏اند،یعنی زینگهای تاریک-روشن‏ آنها یکی است،می‏توان از هم تمیز و«گونه‏ رنگی»آن را نیز تشخیص داد.(2)

\*زرد با صداهای زیر موسیقی‏ همبستگی و هماهنگی دارد. صدای ویلون زرد است.زرد رنگ‏ بی‏خوابی،بیداری،هیجان، اضطراب و تلاطم فکری است.

گونه رنگی

سرخ،سرخ است،لیکن«گونه‏های»مختلف‏ دارد:سرخ شنگرف،سرخ بیناب یا سرخ طیف‏ نور خورشید،سرخ قرمز،سرخابی(ماژنتا)، سرخ ارغوانی گون و غیره.شنگرف گرم،سرخ‏ بیناب معتدل،سرخ قرمز سرد،سرخ ارغوانی‏ گونه یا قرمز دانه‏ای بسیار سرد است.همانند سرخ،رنگهای دیگر نیز،سرد و گرم و معتدل‏ دارد:آبی گرم(فیروزه‏ای،کبالت)؛آبی سرد (لاجوردی،نیلی،آبی دریایی،آبی شب)؛آبی‏ معتدل(آبی روشن سبزایی یا( enayC )آبی روشن‏ طیف نور خورشید)؛سبز گرم(چمنی و مایل به‏ زرد)؛سبز سرد(سبز مایل به آبی و سبز سیر)؛ سبز معتدل(سبز طیف نور خورشید یا سبز خنثی)؛زرد سرد(لیمویی و نزدیک به سبز روشن)؛زرد گرم(زرد مشهور به«کروم»و زرد مایل به نارنجی)؛زرد معتدل(زرد طیف‏ نور خورشید)؛بنفش گرم(ارغوانی و قرمز دانه‏ سیر یا آلیزارین)؛بنفش سرد(بنفش تیره مایل به‏ آبی،از اختلاط آلیزارین با آبی دریایی)؛بنفش‏ معتدل و غیره.«گونه رنگی»پدیده‏ای از«کیفیت‏ رنگی»است که دانش فیزیک و علوم تجربی هنوز نتوانسته است آن را توجیه کند،این چیزی است‏ که«حالتهای»روانی را در رنگ به وجود می‏آورد. گونه‏های گوناگون رنگی بیانگر حالتهای‏ گوناگون روان آدمی و دانش بشری است؛برای‏ مثال فیزیک یا هر دانش تجربی دیگر،نمی‏تواند «روان»و«روح»را توجیه نماید؛زیرا

«ویسئلونک‏ عن الروح قل الروح من امر ربی،و ما اوتیتم من‏ العلم الا قلیلا»

،و از روان از تو می‏پرسند،بگو [ای پیامبر]روان از«امر»پروردگار من است،و به شما از دانش فقط اندکی داده شده است‏ (اسراء 85).چگونه دانش تجربی که رنگها را به‏ طول موجشان می‏شناسد می‏تواند به قلمرو روانکاوی یک رنگ یا رنگ درمانی توجه کند؟وبرای آن توجیهی«علمی»داشته باشد؟چگونه‏ می‏توان بیماری را که دستخوش هیجانهای شدید روحی است و برای خاموش کردن آتش‏ دروانی‏اش به ویرانگری می‏پردازد،با«طول موج» 400 تا 500 نونامتر معالجه کرد؟آیا این«طول‏ موج»چه تاثیری می‏تواند داشته باشد که«طول‏ موج»570 تا 630 نونامتر ندارد؟چرا«چراغ آبی‏ چشمک زن»بی‏خوابی را از میان می‏برد و ناآرامیهای عصبی را خاموش می‏کند یا به هنگام‏ خواب آرامش می‏بخشد؟چرا رنگ آبی آسمان‏ آنطور که امام صادق علیه السلام می‏فرماید: «موافقترین رنگها برای چشم بشر است،و نظر به‏ آن دیده را قوی سازد»؟چرا«...صفراء فاقع، لونها تسر الناظرین»؟اینجا اموری می‏گذرد که به‏ داده‏های مادی علوم تجربی(استوار شده بر اساس‏ آنچه که دیدنی و ملموس و محسوس است) بستگی ندارد و مستقیما به«روح»و«روان»و تاثیر رنگ بر آن یا به عبارت دیگر تاثیر«کیفیتهای‏ رنگی»بر آن،بسته است.«تاثرپذیری»انسان‏ نسبت به رنگ و در برابر کنش«تاثر آفرینی»رنگ از امر«روح»است و نه از امر«ماده».چنین است‏ که«رنگ شب»(آبی بسیار تیره:شبه)موجب‏ آرمیدن است و رنگ زرد(به ویژه زرد یک دست) شادی و سرور می‏آفریند و تداوم آن‏ هیجان‏زاست.(3)

«کنش»رنگ در یک ترکیب هنری

پیش از بررسی کنش رنگ در یک ترکیب هنری، سزاوار است اثر روانی یک به یک رنگها را به طور مختصر بیان کنیم؛سپس دگردیسیهای اثر رنگ را در ارتباط با محل رنگ در گستره اصلی بررسی‏ نماییم،آنگاه خواننده دقیق،خود خواهد توانست‏ (کنش رنگ)را در یک ترکیب هنری«بررسی»و «تجربه»نماید.در حقیقت کنش رنگ به سه عامل‏ بستگی دارد:1-کنش روانی رنگ 2-تطابق و تضاد رنگ با شکل 3-محل رنگ در گستره اصلی‏ و تضاد رنگ با جای خود.

1-کنش روانی یا تاثر آفرینی رنگها

الف)دسته‏بندی رنگها بر اساس«ماده رنگی» قابل هم آمیزی( tnemgiP )یا رنگا.در این شیوه‏ رنگ‏آمیزی کنش روانی رنگها مطرح نبوده و صرفا جنبه‏های مادی و«تاثیرهای بصری»آنها بررسی‏ می‏شود:تضادهای رنگی،تاثیر رنگها بر یکدیگر،هماهنگی رنگها،تضعیف رنگها به‏ سوی سیاه و تقویت آنها به سمت سفید و غیره. کسانی که در این زمینه کوششهایی کرده‏اند در آغاز دولاکروا،سپس گروه نو احساس گرایان(نقطه‏ گرایان)به پیروی از سورا وسینیاک و گوگن، سرانجام«فوو»ها و پس از آن نگره‏پردازان مدرسه‏ «باهاوس»آلمان یعنی ایتن و آلبرس هستند.این‏ شیوه امروز عملا ارزش علمی و روان‏شناسایی‏ خود را از دست داده است و صرفا به منزله‏ تجربه‏های مقدماتی برای شناخت،لمس،و آمیزه‏ رنگهای مادی به کار می‏رود.در این گروه،سه‏ رنگ اصلی زرد،سرخ و آبی منظور شده‏اند زیرا این سه رنگ،از ترکیب هیچ کدام از رنگهای‏ مادی دیگر به دست نمی‏آیند(منظور از ترکیب‏ اینجا آمیزه بسیار دقیق و حتی به روشهای صنعتی‏ است).از آمیزش دو به دوی این رنگها،رنگهای‏ دیگری ساخته می‏شوند که رنگهای فرعی نام‏ گرفته‏اند یعنی:زرد+آبی-سبز، سرخ+آبی-بنفش و زرد+سرخ- نارنجی(تصویر 1).بدین وسیله نارنجی،سبز و بنفش به مثابه رنگهای فرعی در حد فاصل‏ رنگهای اصلی قرار می‏گیرند و ردیف رنگها این چنین،زرد،نارنجی،سرخ،بنفش،آبی و سبز می‏شود که اگر زرد را به سبز پیوند زنیم یک‏ حلقه رنگی به نام«دایره رنگ شناسی شش بخشی» به وجود می‏آید.در این دایره شش بخشی هر دو رنگ از دو سر یک قطر،یعنی دو رنگ روبه‏روی‏ هم رنگهای مکمل یا متضاد نامیده شده‏اند که ما در این مجموعه از«مکمل-متضاد»برای توجیه‏ آنها استفاده کرده‏ایم.این‏چنین زرد و بنفش، نارنجی و آبی،سرخ و سبز مکمل-متضادهای‏ یکدیگرند.(4)اینجا آمیختن همه رنگها با هم‏ مخلوط سیه‏گونی که حالتی چرکین دارد می‏دهد و به هیچ وجه نمی‏توان آمیزه‏ای از این‏ رنگها ایجاد کرد که سفید یا دست کم نزدیک به‏ سفید باشد.سفید و سیاه در این مجموعه جایی‏ ندارد همچنان که نیلی و سرخابی(که در زبان‏ علمی ماژنتا گفته می‏شود).

ب)دسته‏بندی رنگها بر اساس تجزیهء نور خورشید(نور سفید)به وسیلهء یک منشور و ترکیب‏ مجدد آنها برای ایجاد نور سفید است.این دسته‏ را اصطلاحا«رنگهای بینابی»و یا«رنگهای طیف» می‏گویند.دانشمندانی که در این زمینه کار کرده‏اند زیادند و اغلب فیزیکدانانی هستند که«نور»بیش‏ از هر چیز دیگری در واپسین گستره‏های تفکر آنان‏ رخنه کرده است در این دسته‏بندی سه رنگ آبی‏ نیلی(یا آبی دریایی سیر)،سبز و سرخ رنگهای‏ اصلی هستند،زیرا ترکیب این رنگها(به صورت‏ پرتوهای نورانی که بر یکدیگر بازتاب شوند) ایجاد نور سفید می‏کنند و رنگهای فرعی این دسته‏ عبارتند از:

سبز+سرخ-زرد،سبز+آبی نیلی(یا آبی‏ دریایی سیر(لاجورد))-آبی روشن سبزابی یا «سیانه»و آبی نیلی(یا آبی دریایی سیر(لاجورد))+ سرخ-ارغوانی روشن یا سرخابی(ماژنتا) (تصویر 2).این رنگها فرعی هستند و ترکیب آنها به صورت فراهم افکنی پرتوهای نورانی رنگی، ایجاد«نور سیاه»می‏کنند.باید توجه کرد که در دسته‏بندی نخست رنگهای اصلی برای ایجاد رنگهای فرعی با هم می‏آمیختند در حالی که در این‏ دسته‏بندی،نورهای رنگین اصلی یا رنگهای‏ اساسی( selatnemadnof srueluoc ،به معنی‏ عملی آن)با هم ترکیب می‏شوند.آنچه که اینجا شایان اهمیت است ترکیب دایرهء شش بخشی‏ رنگ‏شناسی است که در آن آبی دریایی سیر (لاجورد)در برابر زرد قرار می‏گیرند،سبز در مقابل سرخابی(ماژنتا)و آبی روشن سبزابی‏ (سیانه)در برابر سرخ جای می‏گیرند.به عبارت‏ دیگر،مکمل متضاد آبی سیر زرد است و نه‏ نارنجی،مکمل متضاد سبز سرخابی است و نه‏ سرخ.از سوی دیگر نارنجی و بنفش اینجا وجود ندارند و سرخ مکمل-متضاد سبز نیست بلکه‏ مکمل-متضاد سبزابی است.بنفش جای خود را به سرخابی داده و در عوض نارنجی یک آبی دیگر به دایره افزوده شده است.در این نظام رنگی، ترکیب هر دو رنگ مکمل-متضاد،یعنی دو رنگ‏ دو سر هر قطر از دایرهء شش بخشی،ایجاد نور سفید می‏کند؛یعنی سبزابی+سرخ-سفید، سرخابی(ماژنتا)+سبز-سفید،آبی لاجورد یا دریایی سیر+زرد-سفید.این ترکیب افزایشی‏ است(تصویر 3)ترکیب آبی روشن سبزابی با سرخابی و زرد،ایجاد نور سیاه را رنگ سیاه‏ نوری می‏کند و این ترکیب را کاهشی یا نقصانی‏ می‏گوییم.دلیل نامگذاری آن این است که پالایهء (فیلتر)سرخابی امواج متوسط سبز را حذف‏ می‏کند(و بدین وسیله نخستین رنگ اصلی ترکیب‏ نور سفید از میدان بیرون می‏رود)،پالایهء زرد اموج کوتاه آبی را می‏کاهد و پالایهء سبزابی امواج‏ بلند سرخ را از مجموعه کم می‏کند؛بنابراین سه‏ رنگ اساسی ترکیب نور سفید از میان می‏روند و در نتیجه،«نور سیاه یا نور رنگی سیاه»به وجود می‏آید(تصویر 4).

تصویر 2-رنگها مواد نور سفید

تصویر 4-ایجاد نور سیاه

در برابر دو ردیف مکمل-متضادهای نامبرده در بالا و دایرهء شش بخشی،نگرهء سومی نیز موجود است که اساس علمی فیزیکی ندارد.رنگهای آن‏ با رنگهای دستهء نخست همانند است و لیکن نحوهء اتخاذ رنگهای مکمل-متضاد با آن مغایر است و کاندینسکی در روحانیت در هنر از آن به عنوان‏ «مکملهای روحانی»یاد می‏کند.این‏ مکمل-متضادها عبارتند از زرد-آبی(از دستهء ب)،سبز،سرخ و نارنجی-بنفش(از دستهء الف)(5)

مکمل-متضاد روحانی

هنگامی که دو رنگ تأثر و تأثیرهای مخالف و مغایر یکدیگر در بیننده ایجاد کنند،آنها را «مکمل-متضاد»های روحانی گوییم،زیرا در آنها فقط تأثیر کنش آنها بر«روح»انسانی و نتیجهء آن‏ کنش مطرح است.آمیزهء رنگها یا ترکیب آنها،خواه‏ افزایشی یا کاهشی،بررسی نمی‏شوند.اینجا عمل زرد و فرآورد آن و عمل آبی و نتیجهء آن است‏ که مکمل یکدیگرند.یعنی می‏توان با تأثیر آبی‏ روی بیننده،اثر کنش زرد را بر روی او از میان برد و یا با تأثیر نارنجی اثر بنفش را خنثی کرد.این‏ «تضاد-تکامل»ها ویژگیهایی دارند که به درون‏ بیننده و یا به«روح»او ارتباط می‏یابند و از نیاز درونی هنرمند نشأت می‏گیرند.در این قلمرو است که هنرمند می‏تواند از تأثیر رنگها و از بیان‏ آنها برای القای اندیشهء خود بهترین بهره‏برداری را بنماید.به کار بردن درست رنگهای مختلف در این‏ نظام«مکمل-متضادهای روحانی»موجب تسخیر بیننده و تعلیم و ارشاد اوست و هنرمند عامل این‏ ارشاد و ایجاد ارتباط معنوی میان بیننده و اثر هنری است،و اثر هنری خود رابط هنرمند وبیننده است.رنگهای گوناگون در این نگره، گویای حالتهای گونه‏گون روان انسانی و نیز گویای ذائقه‏ها،خلقها و طینتهای متفاوت است؛ زیرا اینجا،رنگها علاوه بر تأثرآفرینی روحی،بر ساختمان بدنی بیننده نیز اثر می‏گذارند و تأثیرهای‏ «زیست شناسانه»(بیولوژیکی)ایجاد می‏کنند. چنین است که حضرت علی بن ابیطالب‏ علیه السلام دربارهء خلقت«آدم»در خطبهء یک‏ (توحیدیه)نهج البلاغه می‏فرماید:«...معجونا بطینه الالوان المختلفة...»،[خداوند]انسان را آفرید...به او جان داد...و دارای معرفتی کرد که‏ حق و باطل،چشیدنیها و بوییدنیها،رنگها و جنسها را تمیز دهد و طینت او را به رنگهای‏ گونه‏گون بیامیخت.

زرد رنگی است با توان پرتو افکنی زیاد.بیشتر پرتوهای دریافتی را بازتاب می‏کند.پرتوهای‏ بازتابی آن به مثابهء نیروهای نادیدنی هستند که‏ به چشم بیننده فرو می‏روند و او را از خود می‏رانند و نمی‏گذارند از حدی فراتر رود و خود را کاملا به«زرد»نزدیک کند.این چنین زرد بیننده را تهدید و تحدید می‏کند.نارنجی نیز چنین خصیصه‏ای‏ دارد لیکن با شدتی کمتر.در افسانه‏ها آمده که‏ شاهان چین رنگ زرد را به خود اختصاص داده‏ بودند و دیگر کسان مجاز نبودند از این رنگ برای‏ پوشاک خود استفاده کنند،زیرا در پوشش زرد رنگ،کسی را یارای نزدیکی به آنان(و احیانا سوء قصد)نبود.«بونزها»(مردان مذهبی سلک‏ بودایی)که باید از مردم کناره‏گیری کنند،پوشش‏ زرد دارند و این چنین خود مردم هستند که از آنها دوری می‏کنند و این به خاطر پرتوافکنی شدید زرد است.گفته شده است که شاهان دورانهای کهن‏ ایران نیز،برای در امان بودن از توطئه‏های جانی، همیشه در پوششهای زردفام در میان مردم ظاهر می‏شدند.نیز گفته می‏شود که پوشش جنگی‏ مولای متقیان علیه السلام،زردفام بوده است.(6) از سوی دیگر زرد رنگی است رویه‏ای و ژرفا و عمق ندارد.برد آن نسبت به سایر رنگها زیادتر است و از بسیاری جهات از ویژگیهای سفید برخوردار است.زرد فزایندهء نیرو و تبذیر کنندهء آن‏ است،رنگ«اسراف»و تبذیر است.زندگانی در فضایی زردفام،انسان را بسیار فعال و پرحرارت‏ می‏کند،لیکن فعالیتی بیرون از تعقل و حرارتی‏ بدون منطق.انسان تحت تأثیر مداوم زرد قرار گرفته،به تبذیر نیروهایش گرایش دارد و این تبذیر گاهی تا حد شکستن و خرد و ویران کردن‏ وسیله‏های در اختیار او،عمل می‏کند.در رنگ‏ درمانی(در بیمارستانهای روانی غرب)،بیماران‏ تبذیر کنندهء نیروی انسانی خویش را تحت تأثیر مداوم«آبی»قرار می‏دهند.از آبی نیلی و تیره‏ به سوی آبی روشن و آسمانی و برعکس،بیماران‏ بسیار آرام،خودگرا،گوشه‏گیر و بی‏حال را با تأثیر مداوم زرد فعال می‏کنند.وان گوگ که‏ هنرمندی با«مایه‏های بیماری روانی»بود، هیجانهای درونی خود را با تبذیر نیروها و به کار بردن رنگهای زرد شدید ابراز می‏کرد و در برابر «زردی»مزارع به افق رسیدهء گندم بود که تبذیر نیروهایش به متنها درجهء خود رسیده و خالی کردن‏ گلوله‏ای در مغز خود به فرجامش رساند.

رنگ زرد ترش است و نمودار ترشیهای‏ متفاوت.هنرمندانی که زیاد با زرد کار می‏کنند اغلب«دهانشان آب می‏افتد»مثل اینکه غوره یا لیمو مکیده باشند و یا اگر از طبیعتی سرد برخوردارند،دستهای آنان به درد کردن می‏آغازد. زرد مشهور به«کادمیوم»کمی تندی دارد، می‏سوزاند و تأثیر مداوم آن مثل فلفل یا«کاری» است.زرد رنگ طینت انسانهای پر حرارت، کاری و کمی تندخوست.این انسانها می‏خواهند به اصطلاح مشهور«ببرند،بدوزند و بپوشند» پیش از آنکه در مورد آن بیندیشند.آنها همیشه‏ خندانند و می‏خندانند.زرد علاوه بر این با صداهای زیر موسیقی همبستگی و هماهنگی‏ دارد.صدای زیر ویلون«زرد»است.آواز بلبل و قناری زرد است و بطور کلی،زرد رنگی است‏ آزار دهنده.وقتی یک دست باشد،شادی‏آفرین‏ است و هنگامی که با تغییرات زینه‏های رنگی‏ همراه باشد،ایجاد هیجان و ناراحتی تا حد اضطراب می‏نماید.در تطابق با شکلهای هندسی‏ ساده،همسنگ مثلث و در تطابق با گنج هرم‏ همسنگ مثلث القائده و هر شکل نوک تیز و مثلثی شکل است.سر نیزه‏های زرد بیشتر می‏ترسانند.

زرد،رنگ بی‏خوابی،بیداری،هیجان، اضطراب و تلاطم فکری است.نفوذ آن از پشت‏ پلک شدید است،بنابراین«چراغ خواب‏ زرد رنگ»برای انسانهای پرکار و فعال نامناسب‏ است،زیرا مانع استراحت آنها و ایجاد آمادگی‏ مجدد برای فعالیتهای روزانه‏شان می‏شود.زرد رنگ آغاز بهار است و به‏ تلاطم،طوفانها و توفانهای بهاری‏ می‏ماند.زرد رنگ رسیدگی کشت است و نمودار نیروی فزون نهفته در دانه است.کودکان‏ پسر در بهار جوانی اغلب زرد و کودکان دختر اغلب نارنجی یا صورتی را دوست دارند.زرد گرمترین رنگ طیف نور خورشید است و کنش آن‏ همانند کنش سفید می‏باشد برد آن زیاد است. رنگی است«مادی»و«زمینی»و«سطحی»و هرگز نمودار ژرفا نیست و این سطحی بودن دلیل‏ بر شادی آفرینی آن است.این شادی آفرینی‏ آن چنان مسلم است که خداوند هم در قرآن مجید تأییدش می‏فرماید:

«قالوا ادع لنا ربک یبین لنا مالونها،قال انه یقول انها بقرة صفراء فاقع،لونها تسر الناظرین»

،گفتند[ای موسی(ع)]از پروردگار خود برای ما بخواه که برای ما روشن سازد[آن‏ گاو]چه رنگی داشته باشد؟گفت همانا او [خداوند]می‏فرماید،گاوی باشد زرد یکدست که‏ رنگش بینندگان را شاد و مسرور سازد(بقره 69). کفش و عبای زرد استحباب دارد و پوشش زرد علاوه بر اینکه شادی‏آفرین و نیروآفرین است، انسان را نیز به حدود خود آشنا می‏سازد.(7)زرد رنگی است که روحیه بشری و خاکی بودن دارد.هنرمندان کهنگرای گذشته،شخصواره‏های آثار خود را که می‏بایستی ویژگیهای بشری شدید،غیر روحانی و مادی داشته باشند،در پوششهای زرد و نارنجی نقاشی کرده‏اند.در ارتباط با شکل،زرد رنگ سه گوش و مثلث است و در دایره با آن تضاد رنگی ایجاد می‏کند و در مربع به سرخی می‏گراید. زرد رنگی است با موضع عمودی و بنابراین خط عمودی همسنگ می‏شود.خط عمودی زرد تأثیر بیشتری دارد و خط افقی زرد برعکس تأثیرهای‏ خود را از دست می‏دهد،از فعالیت و طغیانش‏ کاسته می‏شود و«آرامتر»می‏گردد.وضعیت افقی‏ آن همانند مکمل-متضاد آبی‏اش اثرش را می‏کاهد.زرد در گستره در بالاترین محل قرار می‏گیرد زیرا سبک است و با تبذیر نیروهایش به‏ تصاعد و تبخیر و بیرون شدن از مرزهای گستره‏ گرایش دارد(تصویر 5).از سوی دیگر زینگی‏ تاریک-روشن آن کم است.در یک چهار گوش‏ چهار بخش شده،زرد در بخش سه گوشهء بالایی‏ قرار می‏گیرد(تصویر 5).زرد حرکت برونگرای‏ خود-ویرانگر دارد.از درون متلاشی می‏شود و منفجر می‏گردد.نیروهای خود را به بیرون‏ «پرتاب»می‏کند.آنها را رها می‏سازد و تبخیر می‏شود(به پی نوشت 7 مراجعه شود).به طور خلاصه،رنگ زرد،رنگ جوانی،عصیان و طاغوت است و تأثیر مداوم آن ایجاد اختلالهای‏ روانی می‏کند.آمیختن سفید به زرد و نارنجی از آثار زیانبخش آنها می‏کاهد.

\*هنگامی که دو رنگ،تأثیر تأثرهای مخالف و مغایر یکدیگر در بیننده ایجاد کنند آنها را«مکمل‏ -متضاد»های روحانی می‏گویند. زیرا در آنها فقط تأثیر کنش بر روح‏ انسانی و نتیجهء آن کنش مطرح‏ است.

آبی مکمل-متضاد زرد.

رنگی است آرام و درونگرا؛بیننده را به سوی‏ خود می‏کشد و در درون آرامش خود نرم می‏سازد و به خواب می‏برد.(8)رنگی است«فضایی»و خداوند آن را برای تسکین و آرامش ناراحتیها و رنجها و خستگیها و نابسامانیهای زندگی روزمره،بر فراز کرهء«خاکی»آفریده است.چشم را به خود متوجه می‏سازد و موجب تقویت آن می‏گردد و چنین‏ است که آسمان آبی بر فراز زمین«چشم آبی بین»را تقویت کرده و در اندیشهء او رسوخ می‏کند.این‏ پدیده در حدیثی از معدن علم رسول اکرم(ص)، حضرت امام صادق علیه السلام تأیید شده‏ است.امام علیه السلام به یکی از یارانشان‏ می‏فرمایند:«ای مفضل،در رنگ آسمان تفکر تصویر 5-محل رنگ در گسترهء اصلی

کن،که خداوند آن را به این رنگ آفریده است‏ برای آنکه موافق‏ترین رنگها برای چشم بشر است‏ و نظر به آن دیده را قوی می‏سازد»(9).رنگ آبی‏ خواب‏آور و تسکین دهندهء هیجانهای درونی‏ است.دوای درد«زرد»است و آبی تیره گون‏ سکون مطلق و استراحت شبانه است.خداوند شب را برای آرامیدن در آن قرار داد و رنگ شب، آبی تیره است.رنگ آسمان آرامش بخش است. اثر آبی همانند اثر سیاه است،همچنان که اثر زرد همانند اثر سفید بود.آبی حرکت دورانی‏ دوران‏گرا دارد(به پی‏نوشت 8 مراجعه شود)و به‏ همین دلیل از شکلهای هندسی با دایره توافق دارد و هماهنگ است.آبی در مثلث،آرامش خود را می‏کاهد و فعال می‏شود و مثلث را نیز معتدل‏ می‏سازد.آبی در چهار گوش(مربع)اعتدال آن را به هم می‏زند و ویژگی سرخ آن را به قرمزی تبدیل‏ می‏نماید.آبی رنگ موافق با وضعیت و با خط افقی است.خط افقی آبی آرامش بیشتری دارد و چون آبی عمودی گردد از سردی و آرامش خود می‏کاهد و به اعتدال می‏گراید.رنگ آبی در هنر «کهن‏گرا»به منزلهء«رنگ فضایی»و«الهی»و «آسمانی بودن»تعبیر شده و به کار رفته است.در تصاویر مذهبی مسیحی به ویژه،مریم را در لباسی‏ نارنجی(زرد یا سرخ)که رنگی است گرم و «بشری»زیر پوششی«آبی»،رنگ«آسمانی»و «الهی»نشان داده‏اند،زیرا در دیدگاه پیروان عیسی‏ مسیح(ع)،«زمینی»و«بشری»بودن حضرت‏ مریم(ع)و سپس«آسمانی»و«الهی»شدن او در نتیجهء باروری به عیسی مسیح(ع)را نشان‏ می‏دهد،و حضرت مسیح را که موجودی است‏ «الهی»(زیرا در عقاید مسیحیت کنونی،او فرزند خدا و خود خداست!)،به هنگامی که نوزاد است،به صورت کودکی برهنه در پارچه‏ای آبی‏ پیچید(نماد الهی بودنش)می‏نمایانند و به هنگام‏ بزرگسالی و دوران رسالتش او را در لباسهای آبی‏ نشان می‏دهند.محل آبی در گسترهء اصلی در پایین‏ترین زینه می‏باشد و در گسترهء چهاربخشی‏ بخش پایینی و در امتداد قطری زرد را به خود اختصاص می‏دهند(تصویر 5 و 6).چنین است که تباین اصلی زرد-آبی بالا و پایین گستره را می‏گیرند.هر چقدر زرد محرک و تبذیر کنندهء نیروهاست و در حالتهای ویژه محرک خوی‏ شهوانی است،آبی برعکس،آرام کنندهء هر گونه‏ تحریک،ذخیره کنندهء نیروها و طبیعتی کافوری‏ دارد.متمرکز شدن در آبی،سبب تمرکز فکر و اندیشه می‏گردد،به ویژه اگر آبی شکلی دایره‏ای‏ داشته باشد،نیز سبب ذخیره و گردآوری نیروها و در مرکز خود و تقویت نیروی«دورگیرایی»[تله‏ پاتی‏]می‏شود.آبی با سبزگون شدن،در خود امکان فعالیت ایجاد می‏کند و با سرخگون شدن و بنفش گشتن به سنین پیری و بازنشستگی و یائسگی زنانه نزدیک می‏گردد.آبی رنگی است‏ «مطیع»،«سر به راه»و«سازشکار»،به ویژه‏ زمانی که به خاکستر گونی بگراید.آبی رنگ‏ «زمستان»و سرمای آن است.برف«سفید آبی» است.طعم آبی«بی‏طعمی»است،همانند آب که‏ بی‏طعم است.

تصویر 6-محل مکمل-متضادهای روحانی در گسترهء اصلی

نارنجی

رنگ جوانی است.رنگ شادابی است و رنگ‏ میوه‏های تازه رسیده است.آمیخته با کمی سفید، رنگ بلوغ زنانه است و آمیخته با اندکی سیاه بلوغ‏ مردانه را می‏نمایاند.نارنجی رنگ سنین میان 9 تا شانزده سال است.هیجان نارنجی از زرد کمتر است و اعتدال آن بیشتر.تبذیر نیروها در آن‏ کاسته شده و در تطابق با شکل همانند ذوزنقه‏ است(تصویر 7).در ارتباط با خط،خطی است‏ آزاد و متمایل به عمودی اگر با خط آزاد متمایل به‏ افقی آگین شود،طبیعت سرخ می‏یابد و کاملا متعادل می‏شود،زیرا سرخ،رنگی متعادل و میانه‏ و لیکن گرم است و گونه‏های مختلف دارد. نارنجی مکمل-متضاد بنفش است و بنفش رنگ‏ سنین میان 50 تا 65 سالگی زنان است و به‏ خاکستری آگین شده رنگ بازنشستگی جسمی‏ مردان می‏شود بنفش در درون خود جوهر اندوه و خودگرایی مغبون کننده دارد،در حال توان اعتدال‏ است و فعالیت مجدد در آن نهفته است.در چین‏ کهن،بنفش رنگ لباس عزاداران بوده است. بنفش چون به سیاهی بگراید قهوه‏ای‏ می‏شود و اکنون رنگ مردان پا به سن گذارده‏ است و اعتدال آن خاکستری است.بنفش رنگ‏ ناباوری،تردید و نفاق است.ظاهری زیبا و گیرا دارد و درونی غمناک»و«عقده‏ای».سرخ، هنگامی که نیروهای خود را سرکوب می‏کند به‏ بنفش می‏گراید.در این هنگام رنگ«قرمز دانه» به خود می‏گیرد و«قرمز»می‏شود.رنگی که دراصطلاح تولیدی فرنگی«کارمن»و«آلیزارین» نامیده شده است.بنفش رنگ شکلهایی است که‏ از تلفیق دایره و چهارگوش به وجود می‏آیند.در ارتباط با خط رنگ خط آزاد متمایل به افقی است‏ که اگر با خط آزاد متمایل به عمودی آگین شود، گرمتر شده و سرخ می‏شود بنفش و قهوه‏ای هر دو رنگهای پاییزی هستند.بنفش ویژگیهای قهوه‏ای‏ دارد.قهوه‏ای از آمیختن سرخ و سیاه(هم ارز آبی)و یا از آمیزش سرخ گرم و آبی گرم،و بنفش‏ از آمیختن سرخ سرد و آبی سرد به وجود می‏آید. بنفش طعم گس و قهوه‏ای طعم تلخ دارد.

سرخ و سبز

مکمل-متضادهای معتدلند.سرخ اعتدال گرم‏ و سبز اعتدال سرد است.در رنگ سرخ و سبز نیروهای درونگرا و برونگرا در هم زوری‏ متقابلند.در سرخ توان فعالیت و در سبز توان‏ آرامش بیشتر است.سرخ رنگ مقوی قلب برای‏ کسانی است که ضربان قلب آنها از معمول کندتر است لیکن چشم را ناراحت می‏کند و می‏آزارد و طعم آن شیرین است.سرخهای متفاوت‏ شیرینیهای متفاوت دارند.سرخهای سرد(ماژنتا، ژرانیوم،آلیزارین،قرمزدانه،ارغوانیهای‏ مختلف)طعم شیرین نرم و«عسلی»دارند و در حالی که سرخ«سینابر»،شنگرف(ورمیّون)و سرخ طیف نور خورشید زبرند،مانند شکر و قند.سرخ گرم رنگ«حق»و«حقیقت»و«پیکار» و بالاخره«شهادت است،رنگ جوانی به ثمر رسیدهء 25 تا 35 سالگی است.سرخ سرد رنگ‏ سنین 45 تا 50 سالگی است.سرخ سرد هنگامی‏ که به ارغوانی گراید رنگ نفاق و غرور و دورویی‏ است،رنگ«اصحاب شمال»است که قرآن مجید از آنها به بدی یاد کرده است.رنگ سرخ نمودار اندیشه‏های منطقی و تفکر اعتدالی است.سرخ‏ پایان تابستان و آغاز پاییز است.در تطابق با خط، گویای خطر قطری همگن و در تطابق با شکل، گویای مربع است و هر شکل دیگری که‏ چهار گوشهء راست و چهار ضلع دو به دو موازی‏ داشته باشد(تصویر 7).در مثلث،ویژگیهای‏ نارنجی به خود می‏گیرد و در دایره از خصیصه‏های‏ بنفش برخوردار می‏شود.سرخ رنگ معتدلی‏ است که فرو رفتن و«ماندن»در آن می‏سوزاند و کناره‏گیری از آن گرما می‏دهند.سرخ رنگ‏ گرمای زناشویی،عشق و تشکیل خانواده است. سرخ و سرخابی در گسترهء اصلی در بخش میانی‏ بالایی و در گسترهء چهاربخشی در بخش بالایی‏ چپ و در کنار زرد قرار دارد(شکل 5).

سرخابی(سرخ سرد)و سبز مکمل روحانی و نوری یکدیگرند.در کتاب اصول کافی آمده‏ است:«هنگامی که پیامبر(ص)پیراهن سبز می‏پوشید،علی علیه السلام پیراهن سرخابی به تن‏ می‏کرد و این نشانه‏ای است برای آنان که جویای‏ حقیقتند»،زیرا سرخابی و سبز دو رنگ نوری‏ هستند که در ترکیب با هم نور سفید می‏سازند و این اشاره‏ای بر آن است که محمد(ص)و علی(ع) مکمل هم،لازم و ملزوم هم و هر دو نور واحدند.

تصویر 7-تطابق رنگ و شکل

سبز نیز رنگی است میانه و معتدل با ویژگیهای‏ تاریک-روشن هم سنگ خاکستری میانه،از گرم‏ و از سرد به نسبت برابر در هم ادغام شده،رنگ‏ تعقل،تفکر و آرامش خردمندانه است.نه‏ آنچنان،چون آبی،سرد و آرامنده است که‏ نیروهای حیاتی و جانبخش را فرو نشاند و سرکوب کند و نه آنچنان هیجان آفرین و محرک‏ است که باعث تبذیر نیروها و تندخویی گردد و انسان را از حالت تعادل بیرون آورد.قرآن مجید رنگ سبز را رنگ بهشتی می‏داند و این مطلب از آیات مختلف قرآن که بهشت و فردوس را

«جنات تجری من تحتها الانهار»

،باغهایی که‏ زیر(درختان)آنها جویها روان است،نامیده و وصف کرده است،می‏توان دریافت؛زیرا ویژگی‏ «باغ»و«جنت»،درختان فراوان و جویبارهای آن‏ است.چنین است که در آیاتی دیگر که از«جنت» و«باغ»های زمینی سخن می‏فرماید،گونهء درختان‏ آن را نیز مثال می‏زند:

«او تکون لک جنة من نخیل‏ و عنب فتفجر الانهار خلالها تفجیرا»

یا باغی با شدت از درختان خرما و انگور پس میان آنها جویهایی بشکافتی چنان شکافتی(اسرا،91)و یا

«و اضرب لهم مثلا رجلین جعلنا لاحدهما جنتین‏ من اعناب و حففنا هما بنخل و جعلنا بینهما زرعا»

،و برای ایشان مثلی بزن:(مثل)دو مرد که‏ برای یکیشان قرار دادیم دو باغ از انگورها و آنها را به درختهای خرما پیچانیدیم و میان آنها کشتی‏ نهادیم(کهف،32).بنابراین بهشت پوشیده از درختان میوه است و درختان میوه عموما سبزند و انعکاس این سبزینگی در آبهای شفاف و زلال‏ روان در زیر آنها دو برابر می‏شود.از سوی دیگر می‏دانیم و می‏بینیم انسان اغلب برای رفع خستگی‏ و اندوه خود به سبزه‏زارها و باغها پناه می‏برد تا لحظه‏هایی زندگانی در چنین فضاهایی آرامش و نیروی فرسوده شده یا از دست رفته‏اش را دوباره‏ به او بازگرداند.خداوند تبارک و تعالی در سورهء الرحمن،آیات 46 تا 76 بهشت را به طور کامل وصف می‏فرماید تا آنجا که حوران بهشتی را:

«متکئین علی رفرف خضر و عبقری حسان»

، لمندگان بر بالشهای سبز و(بالشهای)زر بافتهای‏ زیبا فرماید که هم لمیدن بر بالش نشانهء آسایش و آرامش(و طبیعتا آشتی و صلح و صفا)است و هم‏ رنگ سبز بالشها این آرامش و آسایش را فزونتر می‏کند و با زرتارهای بالشهای دیگر یا همان‏ بالشها تعادل رنگین و تلألؤ بیشتری در آن ایجاد می‏کند.در آیه 21 سورهء انسان نیز دربارهء مؤمنان‏ یا حوران فرماید:...

«عالیهم ثیاب سندس‏ خضر و استبرق...»

،بر فراز(تن)ایشان‏ جامه‏های سندس سبز و استبرق(است)...

خداوند در سورهء الرحمن در دو آیه بهشت یا باغ‏ بهشتی و رنگ آن را با لطافت و ایجاز کامل بیان‏ می‏فرماید:

«و من دونهما جنتان(62)،مدهامتان‏ (64)»

،و در نزدیک آنها دو بهشت است،[دو بهشت‏]سبز تیره فام.سبز تیره فام یا سبز آبی‏گین، سبزی است که زردی آن چندان زیاد نیست،و به‏ طور کلی و به بیانی ساده‏تر سبز درختان به هم‏ فشردهء جنگلهای پرآب است،و شاید به همین‏ دلیل است که بالشهای بهشتی در عین سبز بودن از زرتارهای نیکو برخوردار است.

بنابراین رنگ سبز،رنگ آرامش،آسایش و صلح و صفاست.نه آرامش خواب آور و نومید کننده ایجاد شده به وسیله آبی بلکه آرامشی که در آن زندگانی و حیات فعال و پر امید نهفته است. پیکاسو،نقاش اسپانیایی-فرانسوی،سالها پس‏ از ساختن پرده نقاشی جنگ(گرنیکا)(10)به‏ ساختن پرده نقاشی صلح اقدام می‏کند.پرده‏ جنگ را در هماهنگی خاکسترهای کمی آبی گین و زینه‏های تیرگی(درجاتی از«ظلمات»)و ترکیب‏ خطی با«خطوط آزاد بدون مراکز همایی»ساخته‏ است و اگر احیانا اندکی«گرمی»در رنگ‏آمیزی‏اش به کار رفته است،صورتی‏ خاکستری فام است.در پردهء صلح،هماهنگی‏ رنگی،هماهنگی سبز و سفید و ترکیبات سبز است.اینجا رنگ مسلط،زینگی‏های سبزآگین‏ شده با سفید می‏باشد.

رنگ سبز مایل به آبی(یا سبزی که کمی به‏ تیرگی می‏گراید)رنگ ولایت الهی بر زمین و رنگ ولایت اهل بیت عصمت و طهارت و در یک‏ عبارت رنگ«صبغة الله»است و احادیث زیادی‏ گواه بر این مدعاست.

ما اینجا سبز را کمی بیشتر از سرخ و سایر رنگها از دید کلام الله مجید بررسی کردیم تا بسیاری از خوانندگان و پژوهندگانی که آثار اسلامی و بویژه‏ اسلامی-ایرانی را می‏بینند بدانند چرا رنگ سبز و سبز تیره فام(و یا تلفیق سبز و آبی که در دید انسان‏ سبز تیره فام می‏آفریند)پذیرفته شده،که این کاربرد رنگی تنها به دلیل امکانات لعابگری و سفالسازی‏ نبوده است.

طعم رنگ سبز نه شیرین است و نه شور،نه‏ ترش است و نه بی‏مزه،نه تند است و نه تلخ، طعم آب گواراست و بر حسب اینکه بر تیرگی‏اش‏ افزوده شود یعنی با سیاه،آبی،یا قرمز مخلوطگردد تلخ و شور و یا تند شود با روشن شدن به‏ وسیلهء زرد،به ترشی می‏گراید و ترشترین حالت‏ آن سبز لیمویی است.سبز رنگ صبر است و شکیبایی و بردباری،رنگ«پایداری»است. همچنان که سرخ رنگ«حق»است،سبز رنگ‏ «صبر»است:

«و تواصوا بالحق،و تواصوا بالصبر»

ابراز حق پایداری در برابر ناملایمات و پیش آمدهای انتظار ناکشیده را در پی دارد.

سبز رنگ پایان بهار و آغاز تابستان است و سبز تیره فام میانهء تابستان و فراوانی میوه‏هاست.سبز همانند آبی مقوی چشم است و لیکن محرک آن نیز می‏باشد.در تطابق با خط،خط قطری راستگر است،همانند خاکستری میانه و آن قطری نا همگن است و در تطابق با شکل،لوزی و هر شکل چهار گوشی است که دو زاویه باز و دو زاویه‏ بسته یا تند داشته باشد و اضلاع آنها دو به دو موازی باشند(تصویر 7).از سوی دیگر با شکلهایی که از برخورد دایره و مثلث به وجود می‏آیند هماهنگ می‏شود.در گسترهء اصلی در بخش میانی و پایینی قرار دارد و در گسترهء چهار بخشی در بخش پایینی راست،در برابر سرخ‏ (پایینی چپ)قرار گرفته است.در مثلث به زردی‏ می‏گراید و در دایره تیره‏فام یا آبی گین می‏شود و بر سردی آن می‏افزاید.در مربع بی‏آنکه در اثر رنگی‏اش دگرگونگی ایجاد شود بر توان تحرکش‏ افزوده می‏شود.سبز تیره‏فام و رگه‏های زرین، ترکیبی آرمانی برای زیبایی آرامنده و آساینده‏ است.سبز با سرخ هم مرز شده و در دید انسان‏ خط تجسمی ناموجودی را القا می‏کند و هر یک از دو رنگ در محل هم مرزی تیره‏تر دیده می‏شوند و هر چقدر به مرز بیرونی آنها نزدیکتر شویم به رنگ‏ اصلی خود نزدیکتر می‏شوند.

2.تطابق و تضاد رنگ با شکل

زرد رنگ مثلث و سه گوش است و همانند مثلث که گوشه‏های مختلف و نوکهای تیز دارد، زرد هم نمونه‏های متنوع و همه تقریبا آزار دهنده‏اند.انواع زردها با انواع سه گوشها همسنگی می‏کنند،نمونهء کامل و بهترین آن زرد طیف خورشید(کادمیوم میانه)است که با مثلث‏ متساوی الاضلاع تطبیق می‏کند.زردهای سبزگین‏ با مثلهای باز کشیده و زردهای تند و آزار دهنده با مثلثهای تند و ایستاده برابرند.ایستایی خط عمود و شکلهای عمودی با رنگ زرد تشدید می‏شود همچنان که رنگ زرد در مثلث،تندتر، متشعشع‏تر،آزار دهنده‏تر و هیجان‏آورتر است. شعله و شراره از دگردیسیهای مثلث زرد به وجود می‏آید.زرد در دایره جا گرفته،از ویژگیهای خود می‏کاهد و آرامتر شده به سبزی می‏گراید و نیز شدت«آبیت»آبی را هم می‏کاهد.در مربع بر زینگی تاریک-روشن و زینگی رنگی خود می‏افزاید و نارنجی فام می‏شود یعنی از شدت و هیجان وحدت خود کم می‏کند و متعادل‏تر می‏گردد در حالی که در کیفیت رنگی‏اش هیچ‏ دگرگونگی ایجاد نمی‏شود.

سرخ رنگ مربع است و همانند سبز بیناب‏ معتدل.قرمز یا سرخ تیره فام رنگ مستطیل است. قرمز در مستطیل کشیدهء افقی،رنگ«آلیزارین»و مایل به بنفش به خود می‏گیرد و در مستطیل‏ عمودی از سردی خود کاسته سرخ می‏شود یعنی‏ گرمتر و متعادل‏تر می‏گردد.در این حال رنگ‏ «ژرانیوم»یا«ماژنتا»(تقریبا ارغوانی روشن)به‏ وجود می‏آید و حس می‏شود.رنگ سرخ طیف‏ خورشید،رنگ مربع است با چهار گوشهء راست و چهار پهلوی برابر،این رنگ در مثلث خصیصهء نارنجی پیدا می‏کند و در دایره بنفش گون‏ می‏شود،.در بیضی قرار گرفته،خصیصهء قهوه‏ای‏ می‏یابد،زیرا قهوه‏ای رنگ بیضی است و از سرخ‏ و سیاه یا از سرخ و آبی تیره(پروس یا کبالت سیر) به هنگام هم‏آمیزی به وجود می‏آید.در مورد نارنجی،یعنی آمیزهء زرد مادی و سرخ مادی،باید گفت که با شکلهایی تطبیق می‏کند که از برخورد مثلث و مربع به وجود آمده باشند و ذوزنقه یکی از این گونه شکلهاست.نارنجی نیز در مثلث‏ روشن‏تر و زردگین و در مربع سرخگین به نظر می‏آید.سبز در مثلث فعال‏تر از سبز در مربع‏ است.در مربع حالت اعتدال سرخ به خود می‏گیرد یعنی در عین آرامش بر شدت نیروی‏ محرکهء خود می‏افزاید و آمادهء دگردیسی می‏شود. این سبز در دایره،تیره‏فام و آبی‏گین می‏شود.آبی‏ رنگ افقهای دور و در عین حال خودگرا و گیرای‏ بیننده است و دایره،شکلی است دورانی و با چرخش خود بیننده را به درون و مرکزش‏ می‏کشاند و با آبی توافق کامل دارد.یک آبی‏ روشن در دایره با آبی تیره در یک شکل نامشخص‏ همسنگ است همچنان که آبی تیره در یک مستطیل‏ کشیده به آبی روشن می‏گراید و در یک مستطیل‏ عمودی به سبز گرایش پیدا می‏کند.آبی در مثلث‏ سبزگون می‏شود و فعال می‏گردد و در ضمن از خشونت و آزار مثلث کاسته آن را معتدل می‏کند. آبی در مثلث مانع تبذیر نیروهایش می‏شود.آبی‏ در مربع بنفش‏گون می‏شود و یا حالت قهوه‏ای به‏ خود می‏گیرد(به ویژه اگر آبی گرم باشد).بنفش‏ در مربع قرمزگون و در مثلث سرخ فام می‏شود. قهوه‏ای رنگی است که در موارد متعدد با بیضی‏ تطبیق داده شده است.بیضی شکل دورانی دو کانونی است که سرد است و لیکن در تضاد با سردی خود است.قهوه‏ای رنگی است که از قرمز گرم و آبی گرم و یا هر قرمز با سیاه ایجاد می‏شود. قهوه‏ای رنگی چرکین،ولی نیرومند و پرتوان‏ است(تصور 76).

3.محل رنگ در گسترهء اصلی یا زمینه

منظور ما از گستره( nalP )رویه‏ای محدود و مفروض است که به منظور خاصی محدود شده‏ باشد و به طور معمول،رویه‏ای مربعی شکل یا مستطیل را برای اجرای آثار هنری به عنوان گستره‏ انتخاب می‏کنند.بوم نقاشی،کاغذ طراحی و غیره نمونه‏های ساده‏ای از گستره هستند.یک‏ شکل مستطیلی محدود شده روی یک برگ کاغذ نیز گستره‏ای است آمادهء بهره‏برداری.گستره‏ای را که برای انجام اثر هنری انتخاب می‏کنیم به طور معمول«زمینه»یا گسترهء اصلی می‏گوییم.در این‏ بررسی گستره اصلی به صورت مربع انتخاب‏ شده است ولیکن آنچه که در این فضای محدود مربع گفته می‏شود،در هر گستردهء دیگر نیز صادق‏ است.مربع دارای چهار زاویهء راست و چهار ضلع برابر است،دو خط«میانگر»یا«نیمگر» اضلاع دارد که هر کدام از سویی مربع را به دو بخش برابر،دو مستطیل که طول هر کدام دو برابر عرض آن است تقسیم می‏کند.نیز دو خط «نیمساز»دارد که چهار گوشهء راستش را به هشت‏ گوشهء 45 درجه تقسیم می‏کند که به آنها«قطر مربع»می‏گوییم.نیمگرها و نیمسازها در مرکز مربع به یکدیگر برخورد می‏کنند.این خطوط «فرضی»یا«واقعی»،نسبت به میانهء اضلاع و نسبت به نوک گوشه‏ها کشش همانند و ویژه‏ای را تحمیل می‏کنند که مانع انفجار و متلاشی شدن‏ شکل گسترهء اصلی از درون می‏گردند.بنابراین‏ گسترهء مربعی شکل،شکلی است متعادل و به‏ همین دلیل همسنگ رنگ سرخ است.با وجود این اگر غیر از رنگ سرخ بخواهیم رنگهای دیگری‏ را در گسترهء اصلی جا دهیم،هر کدام محل‏ خاصی را اشغال می‏کنند که در ارتباط با خصیصه‏ها و کیفیتهای رنگی آنهاست؛برای مثال‏ اگر گسترهء اصلی را به شش بخش افقی تقسیم‏ کنیم و بخواهیم هر بخش را به یکی از رنگهای‏ دایرهء شش بخشی اختصاص دهیم،دو مکمل- متضاد بزرگ زرد و آبی در بالا و پایین گسترده‏ قرار می‏گیرند.زرد به دلیل تبذیر نیروهایش و پرتو افکنی زیادش به«سبک»شدن و«تصاعد»و «تبخیر»و حتی به«محو»شدن در سفیدی گرایش‏ دارد،بنابراین در بالای گستره که محلی است‏ «سبک»و سبکترین بخش گسترهء اصلی است قرار می‏گیرد؛آبی برعکس،رنگی است سنگین، نیرومند و ذخیره کنندهء نیروها و میل به سنگین و سنگینتر شدن در آن زیاد است و با زینگی تاریک- روشن تیره تطبیق می‏کند در«ته»و پایین گستره‏ «فرو می‏نشیند»و در آن بخش می‏آرمد.زرد در بالای گستره به اوج شدت خود می‏رسد و آبی در پایین گستره در حضیض ضعف خود قرار می‏گیرد.زرد نمودار تظاهرات«سطحی و بی‏ژرفا»در یک ترکیب هنری است و آبی نمودار ژرفای گوناگون است.چنین است که در هنر اسلامی(به ویژه در معماری و در آذین‏گری به‏ منزلهء مکمل معماری)همیشه زرد و آبی با هم‏ ترکیب می‏شوند؛زیرا هنر اسلامی،هنر تسخیر فضاست و زرد و آبی تضاد کامل«رویه»و«ژرفا» سطح و عمق فضاست و خود گونه و نحوه‏ای از تسخیر فضا به شمار می‏آید.

لایه‏های پس از زرد و آبی،نارنجی و بنفش‏ است.نارنجی بخش میانی نیمهء بالایی و بنفش‏ بخش میانی نیمهء پایینی را اشغال می‏کنند.نیمهء پایینی بخش بالایی را سرخ و نیمهء بالایی بخش‏ پایینی را سبز به خود اختصاص می‏دهد.سرخ و سبز در محل برخورد به یکدیگر اثر همدیگر راتقویت می‏کنند و این چنین است که در محل هم‏ پهلویی آنها همیشه خط تیره‏ای حس می‏شود که‏ وجود بیرونی ندارد.گستره‏ای که بر این اساس‏ رنگین شده باشد،استوار و پایدار است.در آن‏ حرکت نیروها از پایین به سوی بالا و تبذیر نیروها در نهایی‏ترین محل نزدیک به مرز بالایی آشکار می‏شود.اگر محل نیروها و رنگها تغییر کند یعنی‏ در همین نظم گستره را از بالا به پایین بچرخانیم، به طوری که آبی در بالا و زرد در پایین قرار گیرد، تبذیر نیروهای زرد و نارنجی کاسته و یا متوقف‏ می‏گردد همچنان که ذخیرهء نیرو در آبی متوقف و یا کاسته می‏شود و دو جریان پایاپای نیروها از بالا به‏ پایین و از پایین به بالا انجام می‏گیرد که یک جریان‏ مربوط به تصاعد نیروهای تبذیر شوندهء زرد و نارنجی به سوی بالای گستره و دیگری ته نشین‏ شدن ذخیره‏های آبی به سوی پایین گستره‏ می‏باشد.و این به دلیل جای گرفتن زینگی تاریک‏ -روشن سنگین آبی در بالا و زینگی تاریک- روشن سبک زرد در پایین است.با توجه به سبک‏ بودن محل بالای گسترهء اصلی و سنگین بودن‏ محل پایین آن،در این ترکیب تعادل رنگی برقرار می‏گردد و تأثیر روانی همهء رنگها کم و بیش برابر یا به هم نزدیک می‏شود.این ترکیبی است همگن‏ و خوشایند و«پردوام»و چنین است که خداوند آبی آسمان را در بالا و زرد خاک را در پایین قرار داده است و بر این اساس است که رنگها مفاهیم‏ روانی و روحی خود را به دست می‏آورند و آن را به بیننده القا می‏کنند.نحوهء قرار گرفتن رنگهای‏ نوری در این گستره از بالا به پایین چنین است؛ زرد،سرخ،سرخابی،سبز،سبزابی،آبی و همان تأثری را که هم مرزی سرخ و سبز ایجاد می‏کند،هم مرزی سرخابی و سبز نیز ایجاد می‏نماید.رنگ زمینه در احساس رنگی رنگهای‏ دیگر بر نشانده شده بر آن تأثیر بسزایی دارد که تأثیر تباین یا تضاد(کنتراست رنگی)گفته می‏شود.این‏ تباین-تضاد حالتهای گوناگونی دارد.در تضاد متقارن رنگها،زمینهء سفید گسترهء اصلی از توان‏ روشنایی رنگها می‏کاهد و زمینهء سیاه بر عکس،بر توان روشنایی رنگها می‏افزاید.چنین است که‏ درجهء پرتوافکنی واقعی یک رنگ،هنگامی ادراک‏ می‏شود که رنگ روی یک زمینهء خنثی قرار گیرد و آن خاکستری میانه است(از اختلاط برابر سفید و سیاه).چنین است که در آثار نگاشتاری‏ (گرافیکی)از تضاد شدید رنگهای ناب بر روی‏ زمینهء سیاه در آگهینه‏ها(پوسترها،آفیشها)به ویژه‏ استفادهء زیادی می‏کنند.تأثیر رنگهای‏ شش گانه(ی طیف نور خورشید)روی سیاه‏ از هرگونه ترکیب دیگری بیشتر است و از این رنگها،زرد،آبی روشن،ارغوانی روشن تأثیر فزونتری دارند و باز هم،زرد از هر رنگ دیگری روی‏ زمینهء سیاه بهتر جلوه می‏کند(11).از تباینها سخن‏ رفت.باید یادآور شد که مهمترین تباینهای روحی، مکمل-متضادهای زرد و آبی و سرخ و سبزند.اگر گسترهء اصلی را با دو قطر به چهار بخش سه گوش‏ تقسیم کنیم همچنان که در مبحث یک یک رنگهابیان شد،زرد در سه گوش بالایی،آبی در سه‏ گوش پایینی،سرخ در سه گوش طرف چپ و سبز در سه گوش طرف راست قرار می‏گیرد.(12)توجه‏ کنیم که چپ و راست صفحهء تصویر مغایر چپ و راست بیننده است.

پی‏نوشت:

این مقاله از کتاب«مبانی نظری هنرهای تجسمی»با اندکی‏ تلخیص نقل شده است.

(1)-روحانیت در هنر و در نقاشی به ویژه اثر واسیلی کاندینسکی، ترجمهء آیت اللهی،بینش نوین،1352،پخش به وسیلهء شبگیر.

(2)-خداوند در آیهء 27 سورهء فاطر از سفیدها و سرخهای گوناگون و سیاههای تیره سخن می‏فرماید:

«الم تر ان الله انزل من السماء مآء فاخرجنا به ثمرات مختلفا الوانها،و من الجبال جدد بیض و حمر مختلف الوانها و غرابیت‏ سود

،آیا ندیدی که خداوند از آسمان آبی فرستاد.پس برون آوردیم‏ بدان میوه‏هایی به رنگهای گوناگون و از کوهها راههای سفید و سرخ‏ رنگارنگ و سیاههای تاری(تیره)[ایجاد فرمود]خداوند در این آیه از سفید با رنگهای گوناگون(سفیدهای مختلف یا اوج پرتوافکنی و شدت هر رنگ)و از سرخ با رنگهای گوناگون(سرخ سرد،سرخ میانه‏ و معتدل،سرخ گرم و غیره)و از سیاههای تیره(سیاههای مختلف‏ رنگهای گونهء رنگی آنها را تمیز داد)سخن می‏گوید و آیا این خود دلیلی نیست که همانند سفید و سرخ و سیاه،رنگهای دیگر:زرد، نارنجی،بنفش،آبی،قهوه‏ای،ماژنتا،نیلی،سبز نیز گوناگونیهایی‏ دارند؟

(3)-قرآن مجید،سورهء بقره،آیه 69.

(4)-هنر رنگ نوشتهء ژوهان ایتن،ترجمه و اضافات بر آن از محمد حسین حلیمی،انتشارات کتابفروشی تهران،تهران،تاریخ‏ بشر؟

(5)-روحانیت در هنر و در نقاشی به ویژه،ترجمهء آیت اللهی، چاپ 1352،فصل رنگ.

(6)-نقل از بیانات حضرت آیت الله صانعی در سیمای جمهوری‏ اسلامی ایران(1362).

(7)-

«انطلقوا الی ظل ذی ثلاث شعب؛لا ظلیل و لا یغنی من‏ اللهب؛انها ترمی بشرر کالقصر؛کانه جمالت صفر»

،بروید[ای‏ ناگرویدگان و ایمان نیاوردگان‏]بروید به سوی سایهء سه شاخه‏[سه‏ سوی فیزیکی:پهنا،درازا،ژرفا]که؛نه سایه افکن است‏[سایه ده‏] و نه بی‏نیاز کند[شما را]از شراره‏ی آتش؛[آتشی‏]که شراره‏هایی‏ پرتاب کند به همانند کاخ؛گویا آن‏[شراره در رنگ‏]چون اشتری‏ زردفام است(مرسلات،30-33).در این آیه رنگ زردفام شتر گویای گرمای شرارهء دوزخ است.شراره‏هایی که آتش دوزخ به سوی‏ کافران«پرتاب»می‏کند و پرتوافکنی رنگ زرد به سوی بیننده همانند این«پرتاب شراره»است.

(8)-زنان تارک دنیا،در جهان مسیحیت امروزین،از پوشش آبی‏ استفاده می‏کنند.این رنگ به آنان کمک می‏کند که در عین حال که‏ مردم را به خود جذب می‏کنند،خودشان نیز آسانتر به آنان نزدیک‏ شوند و بدین طریق با بهره‏گیری از ویژگی رنگ آبی و با استفاده از عواطف و عطوفتهای زنانه،آنان را«ارشاد»کنند و یا از«صدقات» آنها برای مخارج دیر و کلیسا استفادهء شایانتری بنمایند.

(9)-تفسیر نمونه،جلد اول،صفحهء 80.

(10)-گرنیکا( acinreuG )نام اتخاذ شده برای این پردهء نقاشی‏ مشهور پیکاسو،علاوه بر اینکه به معنی«جنگ»است،نام روشنایی‏ نیز هست که جنگ داخلی اسپانیا در سال 1937 از بمباران آن‏ روستا به وسیلهء هواپیماهای مزدور،آغاز شده است(لاروس بزرگ).

(11)-شاعر نگارگر ایران،فردوسی،در مورد اسفندیار که«به‏ خاطر شمشیر زدن در راه خدا رویین تن شده بود»،چنین تصویرگری‏ می‏کند:بفرمود کاسب سیه زین کنند؛به بالاش بر،زین زرین‏ کنند؛رنگ زرد طلایی زین را بر بالای اسب سیاه می‏گذارد.بالا سبک و محل تجلی و تشعشع زرد است و زمینهء سیاه،ارزش آن را بیشتر می‏کند.

(12)-چنین است که«اصحاب یمین»[یاران راست‏]به بهشت‏ می‏روند و«اصحاب شمال»[یاران چپ‏]به دوزخ سرازیر می‏شوند...